

مقاله پژوهشی: رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس؛

با تأکید بر الگوی امنیت درون‌زا

علی جعفری^۱، محمد سهرابی^۲، محمد شاه‌محمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

چکیده

تأمین «امنیت پایدار» در خلیج فارس که بتواند منافع کشورهای منطقه و جمهوری اسلامی ایران را تضمین کند، تنها از طریق ایجاد الگوی بومی امنیت منطقه‌ای و فراتر از الگوهای نظامی و سخت قابل انجام خواهد بود. پژوهش حاضر درصدد پیشنهاد الگوی امنیتی درون‌زا در خلیج فارس است. جهت دستیابی به هدف مذکور از روش تحقیق کمی و کیفی (تحلیل توصیفی و روش همبستگی) انجام خواهد شد؛ از این‌رو از پرسش‌نامه و مصاحبه در کنار بررسی اسناد، مدارک، رویدادها و ملاحظات مطروحه و توجه به شرایط و روابط موجود میان کشورهای حوزه خلیج فارس، و از مدل معادلات ساختاری (SEM) جهت تدوین مدل، استفاده شده است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد؛ ۱. امنیت درون‌زا بر الگوی تحقق امنیت خلیج فارس تأثیر دارد. ضریب مسیر بین دو متغیر ۰.۲۶ بوده که از سطح معناداری ۰.۱۶. ۸۵۲ برخوردار است. این امر مطلوب است؛ زیرا از ۰.۹۶ بیشتر است؛ لذا وجود تأثیر معنادار تأیید می‌گردد. ۲. نظریه منطقه‌ای امنیت بر الگوی تحقق امنیت خلیج فارس تأثیر دارد. ضریب مسیر بین دو متغیر ۰.۱۱ بود که از سطح معناداری ۰.۱۴. ۲۱۴ برخوردار است. این امر مطلوب است؛ زیرا از ۰.۹۶ بیشتر است؛ لذا وجود تأثیر معنادار تأیید می‌گردد. در مطالعه حاضر، مؤلفه‌های امنیت درون‌زا و نظریه منطقه‌ای امنیت، به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر الگوی تحقق امنیت خلیج فارس تأیید شد.

کلید واژه‌ها: امنیت خلیج فارس، امنیت مشترک، امنیت منطقه، امنیت درون‌زا، ج.ا.ایران.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی/سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) agha_yosef@yahoo.com.

۳. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۱. مقدمه

تاکنون تلاش‌های انجام‌شده جهت دستیابی به یک الگوی امنیت پایدار و چگونگی ایجاد دستور کار مشترک در خلیج فارس برای تأمین امنیت درون‌زا با ناکامی مواجه شده است. این مقوله مهم بیشتر بر محور امنیت سستی یا نظامی مبتنی است و در حوزه امنیت انسانی کمتر شاهد اقدامات و همکاری‌های چندجانبه بین کشورهای منطقه بودیم. از این رو، ایجاد سازوکار جدیدی در منطقه که فراتر از امنیت نظامی باشد، ضروری است (حیات‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۶).

به عبارت دیگر، امروزه به واسطه وابستگی متقابل کشورها، امکان یک‌جانبه‌گرایی در حوزه امنیت به شدت کاهش یافته و دستیابی به علائق امنیتی تنها در پرتو همکاری با دیگر دولت‌ها امکان‌پذیر است. فرایند تحول در ایده تأمین امنیت به صورت منفرد و ترغیب در راستای پروژه امنیت درون‌زا به طور جدی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین محدودیت‌های گسترده و شکست‌های بی‌دری الگوهای پیشین و فعلی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس که عمدتاً متأثر از رویکردهای سخت و نظامی به مسئله امنیت و نقش بازیگران خارجی و فرمانطقه‌ای است، ضرورت ارائه مدلی جهت سیاست‌گذاری دقیق و دستیابی به امنیت پایدار در این منطقه را دوچندان ساخته است (نیلفروشان و نقی‌زاده، ۱۴۰۰).

در این میان، به نظر می‌رسد «امنیت انسانی» بیش از هر حوزه دیگری واجد ظرفیت‌های بالقوه جهت همکاری و همگرایی امنیتی است. ظرفیتی که مبتنی بر شاخص‌های امنیت انسانی نظیر «امنیت اقتصادی»، «امنیت غذایی»، «امنیت بهداشتی»، «امنیت محیطی»، «امنیت شخصی» و «امنیت اجتماعی» باشد (قربانی، ۱۳۹۱).

این مهم بیش از هر چیز دیگر، به پیوند میان مفهوم امنیت ملی با مفهوم امنیت انسانی در ابعاد مختلف بازمی‌گردد. یکی از این پیوندهای قابل ذکر، در رابطه با جلوگیری از وقوع منازعات می‌باشد. اگرچه امنیت سستی به همان اندازه که منازعه ستیز است تنش‌زا نیز هست، اما عوامل متعددی در نظام بین‌المللی معاصر، حساسیت دولت‌ها نسبت به منافع بازیگران دیگر را بیشتر نموده و دولت‌ها را تشویق می‌کند تا در زمینه‌هایی نظیر کنترل تسلیحات و همکاری‌های منطقه‌ای به امنیت مشترک با سایر دولت‌ها دست یابند. از طرف دیگر، هم امنیت سستی و هم امنیت انسانی در جستجوی تضمین امنیت و رفاه برای افراد یا جوامع موردنظر خویش می‌باشند (مرادی، ۱۳۹۴).

همچنین از آنجایی که بسیاری از منازعات بین‌المللی موردنظر رویکردهای امنیت ملی و امنیت انسانی، منازعات هویتی هستند؛ می‌توان با بهره‌گیری از امکانات موجود نظیر گفتگوهای میان فرهنگی، به بازتعریف هویت‌ها پرداخت و ریشه‌های چنین منازعاتی را از بین برد. پیوند دیگر در رابطه با امنیت

انسانی و امنیت ملی، به بحران امنیت جمعی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط می‌شود. نهادهای منطقه‌ای به تنهایی از پتانسیل لازم جهت حل و فصل مشکلات ملی یکدیگر برخوردار نیستند. از این رو، شکل‌گیری مفهوم امنیت بین‌المللی می‌تواند بین امنیت ملی و امنیت انسانی پل بزند. از آنجایی که تهدیدات معاصر هم خصلت ملی دارند، و هم خصلت انسانی، امنیت بین‌المللی نیازمند مطالعه این تهدیدات به صورت منسجم و سیستماتیک است (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۱).

با این اوصاف، توسل به سازوکاری که امنیت انسانی را مورد تأکید قرار دهد، می‌تواند امنیت ملی کشورهای حوزه خلیج فارس را نیز تأمین نماید. به نحوی که بر اساس رویکرد ج.ا.ایران، بدون حضور و نقش نیروهای خارجی و کشورهای بیگانه و با مشارکت تمام کشورهای حوزه خلیج فارس عملیاتی و اجرایی گردد (افتخاری، ۱۳۹۳).

در زمینه اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر می‌توان گفت تلاش برای دستیابی به یک مدل مشخص و واقع‌گرایانه جهت رفع چالش‌های امنیتی در خلیج فارس امری ضروری است. با توجه به موضوع تحقیق حاضر که در حوزه سیاست‌گذاری امنیتی تعریف شده است، چگونگی ایجاد الگوی امنیت درون‌زا از طریق ایجاد یک رویکرد نوین به نظام امنیت منطقه‌ای، که سال‌ها ج.ا.ایران و سایر کشورهای منطقه در فقدان آن دچار چالش‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی شده‌اند، اهمیت بالایی دارد. در غیر این صورت، با توجه به تحولاتی نظیر عادی‌سازی روابط برخی کشورهای خلیج فارس با رژیم صهیونیستی و تأسیس سفارت این رژیم در پایتخت کشورهایی همچون امارات و بحرین، چالش‌های جدید امنیتی رخ خواهد داد که به نفع کشورهای منطقه و امنیت ملی ج.ا.ایران نخواهد بود؛ لذا این سؤال مطرح است که؛ بین نظریه منطقه‌ای امنیت از یک سو و امنیت درون‌زا از سوی دیگر با امنیت خلیج فارس چه ارتباطی وجود دارد؟

از این رو، پژوهش حاضر در پی حصول یک هدف عملی از طریق مطالعه نظریه‌های مختلف امنیت و الگوهای امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس است. از آنجایی که کار اصلی سیاست‌گذاری سامان دادن به امور است و سیاست‌گذاری امنیتی نیز از ملزومات حیاتی و زیربنایی برای دولت‌ها محسوب می‌شود، این پژوهش پس از بررسی رهیافت‌ها، مراجع و پیشران‌های سیاست‌گذاری امنیتی در منطقه خلیج فارس، درصد ارائه الگوی امنیتی درون‌زا به منظور گذار از امنیت ملی به امنیت انسانی در این منطقه است. این بررسی به صورت کمی بر روی خبرگان، مدیران، کارشناسان، فعالان حوزه امنیت در سال ۱۴۰۱ انجام می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه‌شناسی تحقیق

در زمینه امنیت خلیج فارس و رویکرد امنیت درون‌زا، مطالعات مختلفی انجام شده است که در قسمت زیر به چند مورد از مطالعات داخلی و خارجی اشاره می‌شود.

الف. تحقیقات داخلی

«لطفی» مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی نقش منطقه مکران در امنیت خلیج فارس» (۱۴۰۰) در فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر) چاپ کرده است. براساس بررسی‌های نویسنده در این مقاله ابعاد ژئوپلیتیکی منطقه مکران جهت تعیین کردن نقش امنیتی آن در ارتباط با امنیت منطقه خلیج فارس عبارت‌اند از: جغرافیای انسانی و نحوه توزیع جمعیتی این منطقه، جغرافیای اقتصادی منطقه، جغرافیای طبیعی منطقه، و ویژگی‌های جغرافیایی منطقه که امکان اجرای اصل پراکنده‌سازی به‌عنوان یکی از اصول تأثیرگذار بر معادله دفاع-تهاجم وجود دارد.

«پاکدل» و همکاران، مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «راهبرد ایران در تأمین امنیت در منطقه‌ی خلیج فارس» (۱۴۰۰) در فصلنامه علوم و فنون دریایی به چاپ رسانده‌اند. براساس این مقاله دیدگاه‌های ایران در مورد امنیت در خلیج فارس و سیاست‌های برخاسته از آن‌ها تحت تأثیر عوامل داخلی نظیر مخالفت با حضور قدرت‌های بیگانه در منطقه خلیج فارس شکل گرفته‌اند. نتیجه کلی این عوامل ج.ا.ایران را به این سمت سوق داده است که با هر نقشی برای قدرت‌های خارجی به‌خصوص ایالات متحده، در ترتیبات امنیتی خلیج فارس مخالفت کند. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از چارچوب نظری رئالیسم نئوکلاسیک و رئالیسم تدافعی سعی در بررسی راهبرد ج.ا.ایران در تأمین امنیت در منطقه‌ی خلیج فارس شده است.

«عالیشاهی» و همکاران، مقاله‌ای مشترک با عنوان «تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس» (۱۳۹۹) در فصلنامه آفاق امنیت چاپ کردند. طبق نتایج این مقاله، دلایل شکل‌گیری ائتلاف راهبردی امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی عبارت‌اند از: ۱. گسترش مرجعیت نظامی ج.ا.ایران در منطقه به‌ویژه در پساداعش ۲. عدم وابستگی صرف به امریکا به‌ویژه در زمینه‌های نظامی و امنیتی ۳. رقابت‌های شدید امیر دویی و ابوظبی بر سر سیاست‌گذاری آینده امارات ۴. مزایای اقتصادی صهیونیست‌ها از حضور در امارات (نفت، استفاده از پایگاه‌های نظامی امارات و فروش تسلیحات نظامی) ۵. موفقیت ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا.

ب. تحقیقات خارجی

بررسی‌های «بریت ایلس»^۱ (۲۰۲۰) نشان داد: تعهد سریع به‌عنوان یک اقدام ضروری امنیت جمعی مرتبط با احیای سازمان ملل متحد و همچنین کمک به توسعه نظم جدید جهانی پس از جنگ سرد که در چارچوب منافع امنیتی منطقه‌ای استرالیا و توسط اتحاد ایالات متحده شکل گرفته بود، توجیه شد. نویسندگان در این مقاله استدلال می‌کنند گفتمان استرالیا، علی‌رغم امنیت جمعی، بر اساس رهبری سازمان ملل متحد، بدون توجه به تنش‌های موجود بین این دو توجیه، با ناراحتی با یک جنگ سرد که بر اساس رهبری ایالات متحده است، می‌نشیند.

طبق بررسی‌های «هان»^۲ و همکاران (۲۰۱۹) از منظر مجموعه امنیت منطقه‌ای، منطقه خلیج فارس از دهه ۱۹۷۰ یک زیرمجموعه امنیتی معمولی بوده است. پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ج.ا.ایران، ایران با استفاده از اجماع داخلی برای بهبود روابط با کشورهای همسایه خود، سیاست تنش‌زدایی را در قبال کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اتخاذ کرد. در سطح بین‌المللی نیز، موضع سخت ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری ترامپ و بازگشت تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، دمای منطقه را افزایش داده و بهبود روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس را سخت‌تر کرده است. این نویسندگان استدلال کردند که برای درک جنگ‌های نیابتی بین ایران و عربستان سعودی به‌طور خاص، رویکرد ظریف‌تری لازم است که فراتر از نزاع و رقابت مذهبی باشد.

۲-۲. مبانی نظری

۲-۲-۱. الگوهای امنیتی

در یک تقسیم‌بندی کلان الگوهای امنیتی را می‌توان به دو دسته «برون سیستمی» و «درون سیستمی» تقسیم کرد.

۲-۲-۱-۱. الگوهای امنیتی برون سیستمی

الگوهای برون سیستمی که تجلی دخالت و مشارکت بازیگران بین‌المللی خارج از منطقه در روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی سیستم منطقه‌ای است، انواع مختلفی دارد. اولین آن مدل «هژمونی یک قدرت خارجی» است. این الگو که بر ایجاد نظام سلسله‌مراتبی همراه با سلطه و سیطره یک قدرت مداخله‌گر غیر منطقه‌ای استوار است، تنها راه ثبات را الگوی امنیتی یک‌قطبی بر اساس رفتار تفوق‌آمیز یک قدرت

خارجی می‌داند. در این مدل دو نوع هژمونی مستقیم و غیرمستقیم قابل تشخیص است. هژمونی غیرمستقیم یک نوع نظام سلسله‌مراتبی مبتنی بر برتری یک قدرت خارج منطقه‌ای بر زیرنظام منطقه‌ای و تعیین امور امنیتی آن به وسیله نظام مداخله‌گر است. مدل هژمونی مستقیم بر مبنای حضور مستقیم و دخالت یک‌جانبه یک قدرت خارجی در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای خاص است که موجبات برقراری نظام امنیت تک‌قطبی در آن ناحیه را فراهم می‌سازد (نیلفروشان و نقی‌زاده، ۱۴۰۰). هژمونی مستقیم به دو دسته تقسیم می‌شود:

(۱) هژمونی مستقیم غیرقانونی

این نوع هژمونی بر مبنای حضور استعماری یک قدرت خارجی در منطقه‌ای خاص استوار است که از دیرباز در خلیج فارس مورد استفاده بوده است؛ از نمونه‌های بارز این نوع هژمونی عبارت‌اند از:

- ❖ تسلط پرتغالی‌ها بر این منطقه از ۱۵۰۷ م. الی ۱۶۲۲ م.؛
- ❖ حاکمیت بریتانیا به‌مثابه قدرت بحری بلامنازع از ۱۶۲۲ الی ۱۹۷۱؛
- ❖ تفوق امریکا بر خلیج فارس پس از تشکیل نیروهای واکنش سریع (R.D.F) به دنبال اعلام دکترین کارتر در ابتدای دهه ۱۹۸۰.

به‌زعم اعمال‌کنندگان این الگو، نظام امنیتی تک‌قطبی مزبور مانع دخالت قدرت‌های خارجی در منطقه، یا بروز جنگ وسیع منطقه‌ای، کودتا و بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای منطقه می‌شود؛ این گمان بیشتر ناشی از انگیزه قدرت‌طلبی، انحصارطلبی و استیلاجویی قدرت‌های مداخله‌گر مزبور بوده است و گرنه تجربه نشان داده که حضور نیروهای خارجی در منطقه‌ای خاص به‌ویژه در خلیج فارس توازن تاریخی و سستی منطقه را برهم زده و خواهد زد؛ چرا که برتری‌جویی یک قدرت بیرونی از طریق ابزارهای نظامی مستقیم در نهایت موجبات تشنج و نزاع منطقه‌ای را فراهم خواهد ساخت (نیلفروشان و نقی‌زاده، ۱۴۰۰).

(۲) هژمونی مستقیم قانونی

این مدل بیشتر هنگام بستن پیمان دفاعی-امنیتی میان یک قدرت مسلط خارجی و یک کشور منطقه‌ای تحقق می‌یابد. همان‌گونه که در قرارداد دوجانبه آمریکا-کویت در ۱۹۹۰ م، دو کشور پیمان امنیتی-دفاعی ده‌ساله‌ای با یکدیگر منعقد کردند که پس از جنگ دوم خلیج فارس این نوع ترتیب امنیتی دوجانبه بین ایالات متحده و اکثر شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس تحقق یافت. آمریکا از طریق انعقاد قراردادهای دفاعی با کشورهای نظیر امارات متحده عربی، بحرین و قطر، سلطه و سیطره خود را استوار ساخت؛ بدین ترتیب الگوی امنیتی خلیج فارس مبتنی بر اتکا به نیروهای بیگانه شد که این امر خود، بر تشنج و درگیری

منطقه‌ای افزود و نه تنها امنیتی پایدار را در منطقه ایجاد نکرد، بلکه موجبات بی‌ثباتی خلیج فارس را فراهم آورد. این گونه طرح‌های صرفاً منطقه‌ای رو به افول نهاد. ضعف نظامی دولت‌های منطقه از یک‌سو و نیاز کاذب آن‌ها به تضمین امنیتی قدرت‌های بزرگ مداخله‌گر، سلطه سیاسی مستقیم یک قدرت برتر خارجی را پایدار و استقلال جمعی کشورهای منطقه‌ای را دچار مخاطره می‌سازد. اما هژمونی غیرمستقیم بیشتر زمانی تحقق می‌یابد که قدرتی خارجی، منطقه‌ای خاص را عملاً تحت‌الحمايه خود قرار دهد، گرچه قانونی آن را تحت قیمومیت خود ندارد. در این الگو عملاً شرط دول کامله‌الوداد در قبال قدرت مداخله‌گر اجرا می‌شود که موجبات تحکیم سلطه آن قدرت و تحمیل غیرمستقیم الگوهای تفوق‌آمیز را فراهم می‌آورد. در این باره نیز دو مدل «نهادینه» و «غیرنهادینه» قابل تشخیص است (نیلفروشان و نقی‌زاده، ۱۴۰۰: ۹۵)

۲-۲-۱-۲. الگوهای امنیتی درون سیستمی

دسته دوم از الگوهای امنیتی، درون سیستمی هستند. منظور از الگوهای درون سیستمی، مدل‌های امنیتی مبتنی بر تعامل میان بازیگران منطقه‌ای و متکی بر نقش عمده مناطق در معادلات امنیتی است. این الگوها از آن جهت حائز اهمیت‌اند که خلیج فارس را نظام منطقه‌ای و نه زیرنظام تابع خاورمیانه می‌داند. در نظام مبتنی بر تلفیق منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی و به تعبیر «روزنو گلوکالیسم» (تلفیقی از گلوبالیسم و لوکالیسم)، مناطق راهبردی به‌ویژه خلیج فارس در مقام قطب‌های جدید قدرت تأثیر زیادی بر معادلات امنیتی می‌گذارد و مجال مانور بیشتری در نظام مبتنی بر منطقه‌گرایی نئولیبرال فراهم می‌آورد. از این رو، بررسی مدل‌های امنیتی مطرح در این سیستم از اهمیت بیشتری برخوردار است (حیات‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۶). مدل‌های امنیت درون‌زا عبارت‌اند از:

۱. هژمونی یک‌قطبی منطقه‌ای؛
۲. موازنه قوای منطقه‌ای؛
۳. نظام وتوی واحدهای منطقه‌ای؛
۴. الگوی امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای.

الگوی امنیتی چهارم، بر تفاهم و توافق میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه منع مسابقه تسلیحاتی و انجام اقدامات هماهنگ درخصوص عاری‌سازی منطقه از سلاح‌های هسته‌ای و متعارف استوار است که بیشتر بر الگوی امنیتی با حاصل جمع جبری غیر صفر مبتنی می‌باشد؛ چراکه خلع سلاح، کنترل تسلیحات و میلیتاریسم زدایی در نهایت امنیت کل کشورهای منطقه را فراهم خواهد ساخت. در این

باره، دو الگوی امنیتی قابل تصور است:

الف. الگوی نخست مبتنی بر همکاری پایدار، همگرایی و همسویی مواضع است که از استحکام، دوام و رسمیت بیشتری برخوردار است.

ب. الگوی دوم بر همزیستی، تفاهم، هماهنگی و همکاری محدود استوار است که بر توسعه نسبی و نه پایدار و توافق نسبی و نه همه‌جانبه میان کشورهای عضو سیستم منطقه‌ای تأکید دارد (حیات‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۳).

با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که؛ الگوی همزیستی در چارچوب مدل امنیت دسته‌جمعی از مطلوبیت بیشتری در مقام راه‌حلی میان‌مدت برخوردار است. اما در درازمدت، الگوی همگرایی و همکاری گسترده باید مدنظر طراحان سیاست امنیتی در خلیج فارس قرار گیرد. در چارچوب الگوی همزیستی با مدل رقابت-تفاهم راهکارهای رفتاری چندجانبه‌گرایی، دوگانگی، فرامنطقه‌گرایی و میانجی‌گری و اعتمادسازی توصیه می‌شود.

۲-۲-۲. دیدگاه ج.ا.ایران در مورد امنیت خلیج فارس

با وقوع انقلاب اسلامی، ج.ا.ایران در سیاست‌های منطقه‌ای خود تکیه بر نیروی نظامی و سیاست وابستگی به غرب را کنار گذاشت. این مسئله موجب تغییر دیدگاه‌های ایران در مورد امنیت منطقه خلیج فارس شد؛ زیرا از این پس، بزرگ‌ترین تهدید برای ایران در منطقه خلیج فارس، حضور نیروهای بیگانه و حکومت بعث عراق بود. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ج.ا.ایران به تنش‌زدایی و بهبود روابط با کشورهای عرب خلیج فارس اقدام کرد. با موضع قاطع ایران در برابر اشغال کویت، گفتگو با کشورهای شورای همکاری دربارہ نظم منطقه‌ای به اولویت سیاسی تبدیل شد. انعقاد پیمان دفاعی ده‌ساله آمریکا-کویت و راهبرد جدید آن مبنی بر گسترش و مداخله‌گرایی منطقه‌ای، مانع جدی همکاری ایران با کشورهای منطقه بود.

ج.ا.ایران، امنیت مشترک تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی و رعایت امنیت متقابل را شرط امنیت خلیج فارس می‌داند و آن را از یک‌سو محصول روابط متقابل همسایگان و در چارچوب امنیت دسته‌جمعی و از سوی دیگر، محصول روابط با دیگر بازیگران بین‌المللی به‌ویژه کشورهای صنعتی قلمداد می‌کند. علاوه بر این، ج.ا.ایران، حاکمیت کشورهای منطقه بر خلیج فارس و حفظ و ثبات آن بدون دخالت قدرت‌های بیگانه و تنظیم فرمولی اصولی و اطمینان‌بخش که مبنای تفاهم مشترک همه کشورهای منطقه خلیج فارس باشد را مدنظر دارد و حضور ارتش‌های خارجی را تشویق‌کننده «بنیادگرایی» و تشنج‌آفرینی در منطقه می‌داند (نیلفروشان و نقی‌زاده، ۱۴۰۰). در مقاله حاضر حاضر با رویکرد الگوی امنیت درون‌زا به بررسی و تحلیل یافته‌ها پرداخته می‌شود. با توجه به مبانی نظری دو فرضیه ذیل متصور است:

- ❖ فرضیه اول: بین نظریه منطقه‌ای امنیت و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی‌دار وجود دارد.
- ❖ فرضیه دوم: بین امنیت درونزا و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

مقاله حاضر با توجه به هدف ارائه الگوی امنیت درونزا با تأکید بر امنیت انسانی، کاربردی و از نظر رهیافت، توصیفی-تحلیلی است. نتایج حاصل پژوهش حاضر جهت رفع نیازها و حل مشکلات و مسائل خاص سازمان‌ها، جامعه و... به‌کار می‌رود. روش گردآوری اطلاعات، کمی است. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان، مدیران، کارشناسان، فعالان حوزه امنیت در سال ۱۴۰۱ است. برآورد تعداد این افراد، حدود ۵۰۰ نفر است. بر اساس جدول مورگان، برای جامعه‌ی ۵۰۰ نفری، تعداد نمونه ۲۱۷ نفر لازم است؛ در این مطالعه، بر روی ۲۱۷ نفر اجرا شد. تحقیق حاضر از حیث روش جمع‌آوری اطلاعات، پیمایشی است. بدین معنی که مطالعه حاضر به‌صورت توصیفی پیمایشی بوده و با مرور منابع و نظریات علمی در حوزه پژوهش و مقایسه آن‌ها و اجرای مصاحبه و طراحی پرسش‌نامه محقق‌ساخته بر اساس نتایج مصاحبه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. جهت تحلیل داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از شیوه‌ها و ابزارهای مختلفی استفاده شده است که در ادامه به تفکیک نیازهای مختلف مدل تحقیق بیان می‌شود. برای گردآوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری، از کتب و مقالات مختلف و سایت‌های علمی استفاده شده است. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، پرسش‌نامه است؛ و از پرسشنامه محقق‌ساخته برگرفته از مبانی نظری استفاده خواهد شد تا مؤلفه‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد و پاسخ‌ها به‌صورت طیف پنج‌گویه‌ای لیکرت طراحی می‌گردد.

با توجه به اینکه در مقاله حاضر لازم است مدل مفهومی به‌دست‌آمده از بخش کیفی، آزمون شود، استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در مرحله‌ی کمی ضرورت دارد. برای تحلیل کمی داده‌ها و تحلیل‌های تعیقی از نرم‌افزارهای SPSS و PLS استفاده می‌شود.

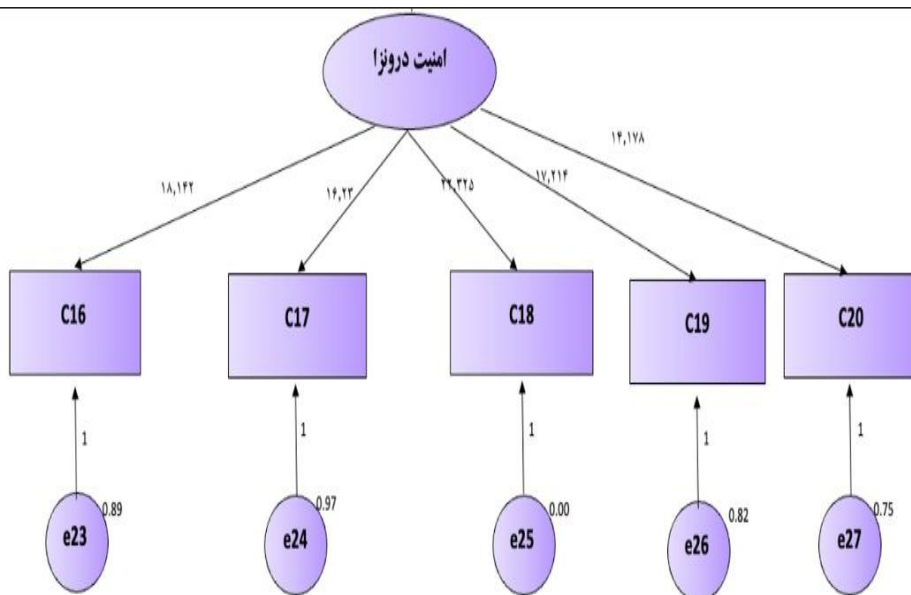
۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

۴-۱-۱. تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای امنیت درونزا

به‌منظور تعیین اعتبار متغیرهای امنیت درونزا از روش تحلیل «عاملی تأییدی» استفاده شد. خروجی نرم‌افزار ایموس نشان می‌دهد تمام بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ هستند. با توجه به خروجی ایموس مقدار x^2/df محاسبه شده ۲/۰۷ است، و وجود x^2/df کوچک‌تر از ۵ نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است.

همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب^۱ می‌بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه‌شده این مقدار برابر ۰/۰۶۶ است. میزان شاخص‌های GFI، AGFI، CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با متغیرهای این بخش است.

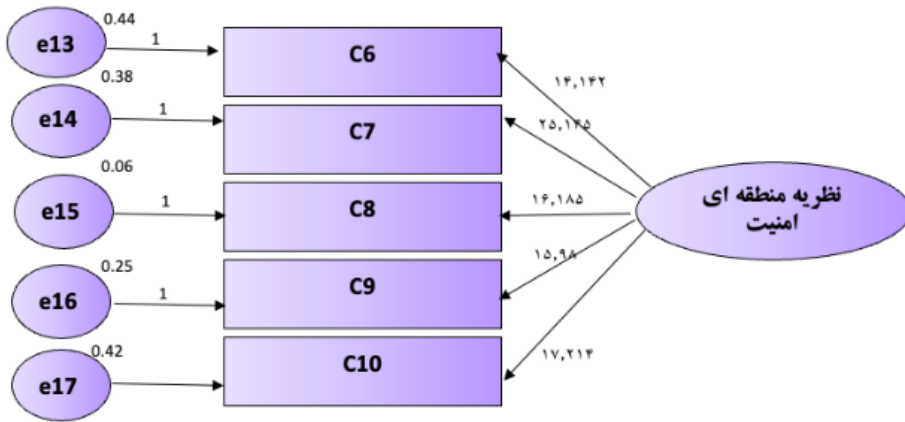


شکل شماره ۱ ضرایب استاندارد امنیت درونزا بر اساس معادلات ساختاری با نرم‌افزار Amos

جدول شماره ۱. شاخص‌های برازش متغیرهای امنیت درونزا		
ملاک	برآورد	مشخصه
$\chi^2/df < 5$	۲/۰۷	نسبت مجذور خی به درجه آزادی (χ^2/df)
$RMSEA < 0.08$	۰/۰۶۶	جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)
$GFI > 0.9$	۰/۹۳	شاخص نکویی برازش (GFI)
$AGFI > 0.9$	۰/۹۱	شاخص تعدیل‌شده نکویی برازش (AGFI)
$CFI > 0.9$	۰/۹۶	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
$NFI > 0.9$	۰/۹۴	شاخص نرم شده برازندگی (NFI)

۲-۱-۴. تحلیل عاملی تأییدی نظریه منطقه‌ای امنیت

به منظور تعیین اعتبار نظریه منطقه‌ای امنیت از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. تمام بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ هستند. با توجه به خروجی ایموس در جدول (۲) مقدار χ^2/df محاسبه شده، ۱/۸۰ است. وجود χ^2/df کوچک‌تر از ۵ نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است. همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب می‌بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۵۷ است. میزان شاخص‌های GFI، AGFI، CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد؛ این امر بیانگر همسویی سؤالات با متغیرهای نظریه منطقه‌ای امنیت است.



شکل شماره ۲. ضرایب استاندارد نظریه منطقه‌ای امنیت بر اساس معادلات ساختاری با نرم‌افزار Amos

جدول شماره ۲. شاخص‌های برازش نظریه منطقه‌ای امنیت		
ملاک	برآورد	مشخصه
$\chi^2/df < 5$	۱/۸۰	نسبت مجذور خی به درجه آزادی (χ^2/df)
$RMSEA < 0.08$	۰/۰۵۷	جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)
$GFI > 0.9$	۰/۹۴	شاخص نکویی برازش (GFI)
$AGFI > 0.9$	۰/۹۲	شاخص تعدیل شده نکویی برازش (AGFI)
$CFI > 0.9$	۰/۹۸	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
$NFI > 0.9$	۰/۹۷	شاخص نرم شده برازندگی (NFI)

۲-۴. تجزیه و تحلیل مدل و بررسی برازش مدل پیشنهادی پژوهش

در این بخش با استفاده از اطلاعات گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه که بر اساس شاخص‌های شناسایی شده در بخش کیفی طراحی شد و در بین نمونه آماری از جامعه مورد مطالعه توزیع گردید؛ شاخص‌های مربوط به مؤلفه‌ها از لحاظ کمی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند که نتایج در ادامه آمده است. معیارهای برازش، یکی از مهم‌ترین مراحل در تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری است. این معیارها برای پاسخ بدین پرسش است که آیا مدل بازنمایی شده توسط داده‌ها، مدل اندازه‌گیری پژوهش را تأیید می‌کند یا خیر؟

برای پاسخگویی به این پرسش، معیارهای برازش زیادی در روش‌شناسی مدل‌سازی معادلات ساختاری معرفی شده است. در قسمت ذیل به آن اشاره می‌شود:

۱. نسبت مجذور کای به درجه آزادی^۱
در آزمون مجذور کای فرضیه هماهنگی مدل موردنظر با الگوی همپراشی^۲ بین متغیرهای مشاهده شده، بررسی می‌شود. مقادیر کوچک‌تر آن، یعنی کمتر از ۳، نشانه برازندگی بیشتر است (گیلز^۳، ۲۰۰۲). کمیت خفی دو بسیار به حجم نمونه وابسته است و نمونه بزرگ، کمیت خفی دو را بیش از آنچه که بتوان آن را به غلط بودن مدل نسبت داد، افزایش می‌دهد.

۲. شاخص نیکویی برازش (GFI)^۴ و شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)^۵
این شاخص‌ها نشان‌دهنده اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس‌ها و کواریانس‌ها است که توسط مدل تبیین می‌شود. هر دو معیار بین صفر تا یک متغیر است که هرچه به عدد یک نزدیک‌تر باشند، نیکویی برازش مدل با داده‌های مشاهده شده بیشتر است.

۳. ریشه میانگین (متوسط) باقی مانده‌ها (RMR)^۶
در این شاخص، باقیمانده‌های واریانس‌ها و کواریانس‌های مشاهده شده با برآوردهای انجام شده در مدل مقایسه می‌شوند. مقادیر کوچک‌تر آن نشانه برازندگی بهتر است (هومن، ۱۳۸۰). مدل‌هایی که در آن این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، برازندگی بسیار بالایی دارند؛ ولی مقادیر بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ برای یک مدل خوب، مناسب است.

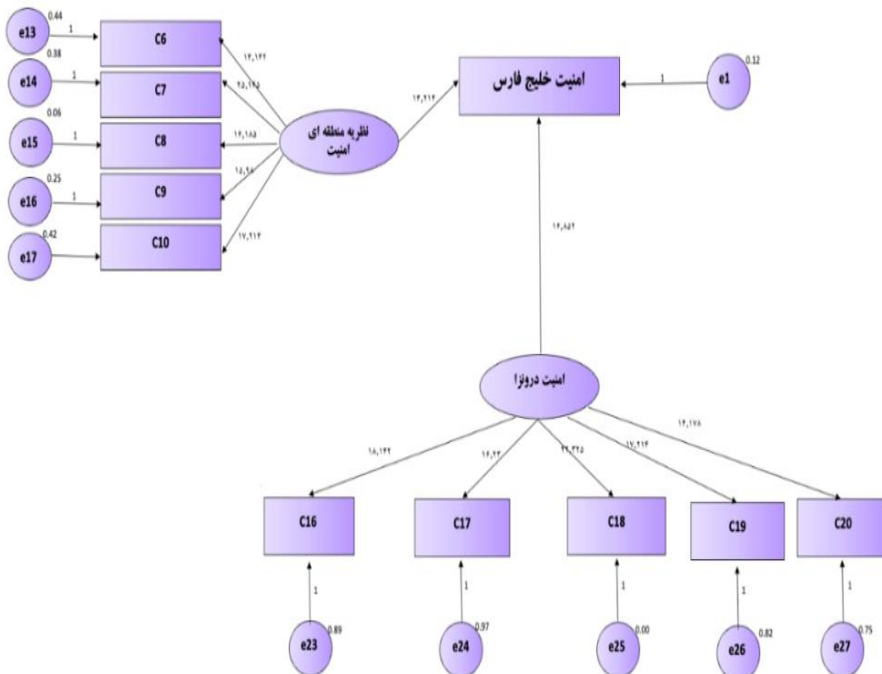
-
1. X^2/df
 2. Covariance
 3. Giles
 4. Goodness of Fit Index
 5. Adjusted Goodness of Fit Index
 6. Root Mean of Residuals

۴. شاخص ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)^۱

این شاخص برای مدل‌های خوب ۰/۰۵۰ و کمتر است و مدلی که در آن این شاخص ۰/۱۰ یا بیشتر باشد، برازش ضعیفی دارد. جدول (۳) وضعیت این شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. نتایج شاخص‌های برازش مدل تحقیق						
RMSEA	RMR	CFI	NFI	AGFI	GFI	$\frac{\chi^2}{df}$
۰/۰۹۰	۰/۱۳۳	۰/۸۴۵	۰/۸۸۷	۰/۸۴۱	۰/۸۳۵	۲/۸۵۸

نتایج نشان از برازش مناسب مدل پیشنهادی می‌باشد. پس از آزمون مدل‌های اندازه‌گیری اکنون لازم است تا مدل ساختاری‌ای که نشان‌دهنده ارتباط بین متغیرهای مکنون تحقیق است، ارائه شود. با استفاده از مدل ساختاری می‌توان به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخت. در این تحقیق مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos به صورت نمودار زیر مورد سنجش قرار گرفته است:



شکل شماره ۳. ضرایب معناداری مدل تحقیق امنیت خلیج فارس بر اساس معادلات ساختاری با نرم‌افزار Amos

با توجه به نمودار فوق و میزان ضرایب معناداری، از آنجا که جهت رد یا تأیید روابط مقدار CR (نسبت بحرانی) باید بیشتر از ۱/۹۶ یا کمتر از ۱/۹۶- باشد، مقدار پارامتر بین دو دامنه در الگو مهم شمرده نمی‌شود. همچنین مقادیر بین این دو مقدار حاکی از عدم تفاوت معنادار محاسبه‌شده برای وزن‌ها رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد است. نتایج آزمون مدل در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول شماره ۴. نتایج اجرای مدل ساختاری تحقق امنیت خلیج فارس				
روابط	برآورد استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری
امنیت مشترک ← الگوی تحقق امنیت خلیج فارس	۰/۴۲۰	۰/۰۵۶	۴/۰۱۸	*۰/۰۰۰
امنیت درون‌زا ← الگوی تحقق امنیت خلیج فارس	۰/۲۶	۰/۰۷۷	۲/۷۹۸	*۰/۰۱۰

$$P \leq 0.05^*$$

بر این اساس مدل تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Amos مورد سنجش نهایی قرار گرفت؛ تمامی روابط و با توجه به مقدار ضرایب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شوند. الگوی مربوط به روابط متغیرهای مدل امنیت خلیج فارس در نمودار و جدول فوق ارائه شده است. نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۵) نشان می‌دهد که تمامی موارد از مقدار موردنظر بالاتر بوده که این موضوع مطلوبیت مدل اندازه‌گیری را تأیید می‌کند.

جدول شماره ۵. پایایی و روایی				
معیار میانگین واریانس	روایی همگرا	پایایی درون سازه‌ها	الفای کرونباخ	
0.64	0.89	0.961	0.85	امنیت درون‌زا
۶۶.۰	۷۸.۰	۸۱.۰	۷۵.۰	نظریه منطقه‌ای امنیت

روایی واگرا، توانایی یک مدل در میزان افتراق مشاهده‌پذیرهای متغیر پنهان آن با سایر مشاهده‌پذیرهای موجود در مدل را می‌سنجد؛ در واقع می‌توان گفت مکمل روایی همگرا است که این نیز از طریق روش فورنل لارکر قابل سنجش است.

در جدول (۶)، مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیر هر متغیر و همچنین سمت

چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است. بنابراین نتیجه می‌گیریم: روایی همگرا و روایی واگرا در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

جدول شماره ۶. معیار فورنل لارکر		
	امنیت درونزا	نظریه منطقه‌ای امنیت
امنیت درونزا	0.824	
نظریه منطقه‌ای امنیت	۸۴۵.۰	۷۲۸.۰

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵-۱. نتیجه‌گیری

فرضیه اول: بین نظریه منطقه‌ای امنیت و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی‌دار وجود دارد. ضریب مسیر این رابطه مقدار ۰.۶۹۱ به‌دست آمد. برای ارزیابی معناداری این تأثیر باید به عدد معناداری t -Value مراجعه نمود؛ این عدد مقدار ۲.۹۴۹ که فراتر از ۱.۹۶ است. همچنین P-Value مقدار ۰.۰۰۰۰ را به خود گرفته است. بنابراین فرضیه موردنظر در سطح ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌گردد و بین نظریه منطقه‌ای امنیت و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

این نتایج با نتایج (بیرقی و همکاران، ۱۳۹۹؛ امینان و همکاران، ۱۴۰۰؛ کلور و همکاران، ۱۳۹۸؛ چو و همکاران، ۲۰۲۰؛ ویوو و همکاران، ۲۰۲۰؛ شعبانی و عباسی مهر، ۲۰۱۹؛ ریتا و همکاران، ۲۰۱۹) همسو است.

منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، یک محیط یکنواخت است و ملت‌هایی را دربر می‌گیرد که از لحاظ بعضی جنبه‌های فرهنگی با یکدیگر متفاوت‌اند، و درعین‌حال گرفتاری‌های سیاسی، راهبردی و اقتصادی مشابهی دارند. این منطقه شاخص، با محیط مشترک خود بهترین موقعیت را برای همکاری ملل ساحلی با یکدیگر برای ایجاد یک تقسیم‌بندی اقتصادی و سیاسی فراهم کرده است. این تقسیم‌بندی برای ابقای اقتصادی و سیاسی در کشورهای منطقه، حیاتی است.

وجوه مشابهت دغدغه‌های اقتصادی و موضوعات راهبردی مربوطه در کنار اهمیت بین‌المللی این منطقه با ظرفیت‌های بالای آن جهت تولید و صادرات نفت و گاز و با روابط تجاری عظیم آن با تمام تقسیم‌بندی‌های اقتصادی در جهان، فرصت مناسبی برای ایجاد تقسیم‌بندی اقتصادی و سیاسی ایجاد کرده است. دولت‌ها تحت تأثیر (ساختار معنایی و نظام هویتی) انگیزه‌ها، اهداف و منافع (ناشی از این ساختار معنایی) ارتباطات جهانی خود را تنظیم می‌کنند، طبیعی است که واحدهای سیاسی به‌تنهایی قادر به تأمین

خواسته‌ها و نیازهای خود در درون مرزهای داخلی نیستند و باید احتیاجات جامعه خود را ورای مرزهای ملی دنبال کنند. این موضوع همکاری گسترده بین دولت‌ها را ایجاب می‌کند و دولت‌ها را وارد عرصه همکاری برون‌مرزی می‌نماید.

نزدیکی جغرافیایی و میزان تعاملات سیاسی اقتصادی و... همسایگان و آسیب‌پذیری‌های متقابل کشورهای منطقه به حدی است که می‌توان امنیت و ناامنی در خلیج فارس را به هم پیوسته ارزیابی کرد. بر اساس نظریه منطقه‌ای و وابستگی متقابل، ترتیبات امنیتی خلیج فارس از الگوی طبیعی وابستگی متقابل کشورهای این منطقه برخاسته است؛ چرا که میزان تعاملات در سطح منطقه آن‌چنان وسیع است که هر بحرانی در یک کشور می‌تواند به سرعت در منطقه تأثیرگذار شود. به عبارت دیگر، امنیت یکی مساوی با امنیت دیگری است. نگرانی‌های امنیتی اصلی آن‌ها به اندازه‌ای به هم وابسته است که تصور امنیت ملی آن‌ها به صورت متمایز از یکدیگر ممکن نیست. همان‌گونه که ذکر شد منطقه خلیج فارس از جمله مناطق نادر جهان، با اهمیت و موقعیت ویژه استراتژیک و ژئوپلیتیک است که از قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخ بشری تاکنون پیوسته مورد توجه شدید اقوام و دولت‌های هم‌جوار و غیر هم‌جوار آن بوده است.

فرضیه دوم: بین امنیت درون‌زا و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

ضریب مسیر این رابطه مقدار ۰.۹۳۶ به دست آمد. برای ارزیابی معناداری این تأثیر باید به عدد معناداری t -Value مراجعه نمود که این عدد مقدار ۲.۴۸۹ که فراتر از ۱.۹۶ است. همچنین P -Value مقدار ۰.۰۰۰ را به خود گرفته است. بنابراین فرضیه مورد نظر در سطح ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌گردد و بین امنیت درون‌زا و امنیت خلیج فارس ارتباط معنی‌دار وجود دارد. این نتایج با نتایج (کلور و همکاران، ۱۳۹۸)؛ چو و همکاران، ۲۰۲۰؛ ویوو و همکاران، ۲۰۲۰) همسو است.

امنیت خلیج فارس از دیدگاه پنج کشور قطر، کویت، امارات متحده، عمان و بحرین به معنای حفظ موجودیت ج.ا.ایران و بقای حکومت این کشور به هر طریق و شکل ممکن است. این کشورها به علت موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در وضعیت آسیب‌پذیری بیشتری قرار داشته و در سطح منطقه‌ای به کشور عربستان و در سطح فرامنطقه‌ای به کشور آمریکا تکیه دارند. دولت‌های کوچک در این منطقه با وجود کمک‌های گسترده به کشور عراق در طول جنگ تحمیلی این کشور علیه ایران، تلاش کردند تا حد ممکن جبران مافات کرده و از بهانه‌گیری‌ها اجتناب کنند.

با اشغال عراق توسط آمریکا این موضع امنیتی کشورها در همسویی با قدرتهای جهانی صریح‌تر گردید و آن‌ها از سطوح همکاری بی‌نیاز شدند. در سال‌های اخیر، کشورهای کویت، قطر، عمان و بحرین، امنیت منطقه‌ای خلیج فارس را برای خود محقق یافته و وضع موجود را مطلوب

می‌دانند. لذا منطقه خلیج فارس بعد از پایان جنگ سرد و طی دهه‌های اخیر سه واقعه بحرانی حمله عراق به ایران، حمله عراق به کویت و حمله آمریکا به عراق و ایجاد ناامنی منطقه‌ای را تجربه کرده است. این جنگ‌ها و یا به عبارتی بحران‌ها موجب ناامنی در منطقه شده‌اند. مسلماً این تحرکات و جنگ‌ها را باید در چارچوب اهمیت منطقه خلیج فارس در ابعاد مختلف ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک مشاهده کرد. علی‌رغم این تلاش‌ها، هیچ‌گاه ترتیبات امنیتی در منطقه خلیج فارس به دلیل چشم‌پوشی نسبت به واقعیت‌ها و ساختارهای موجود، به موفقیت جدی دست نیافته است.

تفاوت عمده میان شرایط داخلی جوامع با شرایط نظام بین‌الملل، که کنت والتز علت این تفاوت را نه در جنگ و مخاصمه، بلکه در ساختار متفاوت این دو می‌داند، به امنیت درون‌زا به‌عنوان «قاعده الزامی عمل» اهمیت دوچندان می‌بخشد. در شرایط آنارشیک نظام بین‌الملل برخلاف جوامع داخلی حاکمیت برتری برای تضمین امنیت وجود ندارد و هر کشور خودش مسئول حفظ امنیت و بقای خویش است.

البته در این مسیر، تأمین امنیت برای یک کشور ممکن است به ناامنی یا احساس ناامنی دیگر کشورها منجر شود. واقع‌گرایان این شرایط را «تنگنای امنیت» یا «معمای امنیت» می‌نامند. شرایطی که اقدامات و تدارکات نظامی یک کشور احساس تردیدی را در ذهن کشور دیگر ایجاد کند مبنی بر اینکه این تحرکات جنبه دفاعی و تضمین امنیت دارند یا برای مقاصد تهاجمی صورت می‌گیرند. واقع‌گرایان در مورد ایجاد شرایط تنگنای امنیت، دو دیدگاه دارند:

- ❖ واقع‌گرایان ساختاری، تنگنای امنیت را ویژگی پایدار سیاست بین‌الملل می‌دانند.
- ❖ واقع‌گرایان تاریخی معتقدند که تنگنای امنیت از طریق موازنه قوا قابل تعدیل است.

به اعتقاد واقع‌گرایان ساختاری در نظام امنیت درون‌زا، حتی اگر سیاست آگاهانه‌ای برای تقویت موازنه قوا وجود نداشته باشد، موازنه قوا شکل می‌گیرد. «التز» معتقد است موازنه قوا بدون توجه به تمایلات کشورها شکل می‌گیرد. در فضای آنارشیک نظام بین‌الملل، کشورها برای حفظ بقا و امنیت خود در مقابل کشورهای تهدیدکننده آن‌ها، به ایجاد ائتلاف‌هایی اقدام می‌کنند که هدف آن‌ها کنترل و موازنه قوا در برابر تهدیدات است. البته تمامی واقع‌گرایان معتقد هستند، موازنه قوا شرایط باثباتی نیست و این شرایط، چه از طریق جنگ و چه از طرق مسالمت‌آمیز، از بین می‌روند و موازنه‌های جدید شکل می‌گیرند. بر این اساس، نتیجه‌ای که حاصل می‌شود بیانگر این مطلب است که؛ دولت‌ها در بهترین حالت، می‌توانند بدترین پیامدهای تنگنای امنیت را کاهش

دهند اما نمی‌توانند از آن بگریزند.

دلیل این وضعیت لاعلاج، نبود اعتماد در نظام آنارشیکی بین‌الملل است که اصلی‌ترین پیامد آن امنیت درون‌زا است. تمامی واقع‌گرایان، در مورد اصول بنیادین فوق، به‌عنوان محورهای اساسی واقع‌گرایی توافق نظر دارند. بر این اساس، دولت سالاری، بقا و امنیت درون‌زا، محورهای اصلی و اساسی واقع‌گرایان در ارائه نظریاتشان است.

۲-۵. پیشنهادات

۱-۲-۵. پیشنهادات پژوهشی

❖ با توجه به تأثیرات متغیرهای فرهنگی و اجتماعی که اجتناب‌ناپذیر است، متغیرهای پژوهش در سایر مناطق استراتژیک کشور مورد آزمون قرار گیرد و نتایج به‌دست‌آمده مقایسه شود؛ به‌این ترتیب علل و عوامل تأثیرگذار بر کاهش و افزایش متغیرها با توجه به مناطق مورد آزمون تا حد زیادی مشخص می‌گردد و منجر به ارائه راهکارهای مناسب با شرایط موجود می‌گردد.

❖ در تحقیقات آینده در مورد مؤلفه‌های این پژوهش، جامعه‌ی آماری متفاوتی انتخاب شود.

۲-۲-۵. پیشنهادات اجرایی

- ❖ فراهم کردن بستر مناسب جهت آشنایی بیشتر افراد جامعه با مسائل امنیتی.
- ❖ ارتقای پلتفرم‌های ارتقادهنده‌ی امنیت در منطقه‌ی خلیج فارس.
- ❖ بسترسازی برای آموزش افراد در جهت ارتقا آگاهی.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۳). «راهبرد تهدید در مقابل تهدید در سیاست دفاعی ج.ا.ایران، تهران»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۲۲(۸۸)، ۱۹-۲۹.
- پاکدل، محمد؛ محقق‌نیا، حامد؛ یوسفی، بهرام؛ عبدالخانی، لنا (۱۴۰۰). «راهبرد ایران در تأمین امنیت در منطقه‌ی خلیج فارس»، *مجله علوم و فنون دریایی*، ۲۲(۳)، ۱۶-۱۱.
- حیات‌مقدم، امیر؛ کلاتری، فتح‌الله؛ فلاح، عباس (۱۳۹۶). «شناسایی عوامل مرتبط با مؤلفه دفاعی-امنیتی جهت استحکام ساخت درونی قدرت نظام با تأکید بر منویات فرماندهی معظم کل قوا»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۱۵(۱)، ۶۳-۶۶.
- عالیشاهی، عبدالرضا؛ فروزان، یونس؛ و سلیمانی سوچلمائی، حمید (۱۳۹۹). «تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس»، *فصلنامه آفاق امنیت*، ۱۳(۴۹)، ۱۶۹-۱۴۷.
- قربانی، مژگان (۱۳۹۱). «استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *راهبرد دفاعی*، ۱۵(۴۹)، ۱۰-۳.
- لطفی، حیدر (۱۴۰۰). «بررسی نقش منطقه مکران در امنیت خلیج فارس»، *فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*، ۳۰(۱۱۷)، ۲۶۷-۲۸۰.
- مرادی، عبدالله (۱۳۹۴). *رویکردهای گوناگون به نظام امنیتی خلیج فارس*، تهران: اندیشکده راهبردی تبیین.
- مطلبی، مسعود و دیگران (۱۳۹۱). «اعتمادسازی پیش‌نیاز امنیت و نظام امنیت دسته‌جمعی در خلیج فارس»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۵(۱۸)، ۹۱-۸۴.
- نیلفروشان، عباس؛ نقی‌زاده، حمید (۱۴۰۰). «ضرورت تأمین امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس با نگاه به روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، *مجله سیاست دفاعی*، ۳۰(۱۱۵)، ۹-۵۱.

